

جراید و مطبوعات سیاسی اصفهان در یک قرن اخیر

(منبع‌شناسی مستند تحولات تاریخی و فکری)

«روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان در عصر مشروطیت»

نویسنده:

موسی نجفی

(۱)





تمهید تاریخی تحولات اصفهان در چهار قرن گذشته

توضیح در باره اهمیت و ارزش مطبوعات در آگاهی بخشی و انعکاس ارزشها و تفکرات یک جامعه از باب توضیح و اصحات خواهد بود، اما به طور موجز می توان گفت با توجه به ارزش «گذشته و تاریخ» و اهمیتی که شناخت تاریخی برای حیات امروز ما دارد، توجه خاص به اسناد و مدارک و اوراق به جا مانده از دیروز راهنمای شناخت امروز و فردای ما خواهد بود.

تاریخ اجتماعی و سیاسی شهر کهنسال اصفهان هنوز به طور کامل نگارش نیافته است، هر از چند گاهی یکی از مورخین و محققین قسمتی و یا سنواتی از آن را به رشته تحریر کشیده است.^۱

به طور کلی می توان گفت فراز و نشیب های اجتماعی و سیاسی مهم این شهر را باید از دوران صفویه و به خصوص شاه عباس اول دنبال نمود، زمانی که نوسازی و توسعه در ابعاد مختلف این شهر جلوه گر شده است. شهرسازی نوین، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و اداری، توسعه نهادهای فرهنگی و اجتماعی و هنری همه و همه در آن زمان تحولی کیفی را نشان می دهند. تحولی که اصفهان را در مجموع «نگین درخشان جهان اسلام» و از جمله مشهورترین و معظم ترین شهرهای قرن ۱۱ هجری و ۱۶ - ۱۷ میلادی در جهان نشان می دهد.^۲

سیاحان و سفرا و تجار اروپایی از توسعه و عظمت خیرکننده این شهر بسیار نوشته اند و طی سنوات و دهه های متمادی، دیدن شهر اصفهان آرزوی هر شهروند اروپایی بوده است؛ به این توسعه و اعتبار بایستی توسعه و رشد «حوزه علمیه و دینی» این شهر را اضافه نمود حوزه ای که در خود صدها محقق، فقیه، ادیب، عارف و فیلسوف را پرورش داده است. ذکر یک نمونه از آن رونق علمی که امروز در حوزه مکاتب عقلی شهرت جهانی دارد را می توان در پرتو مکتب فلسفی صدرایی^۳ مطالعه نمود مکتبی که به حق از آن به عنوان «مکتب اصفهان» یاد شده است.

سقوط اصفهان در سال ۱۱۳۵ ه.ق. هر چند از رونق علمی و اجتماعی این شهر کاست، ولی عظمت و ابهت آن بنای عظیم را نتوانست درهم شکند. دوره های نادرشاه (۱۱۴۸-۱۱۶۰) و دوره زندیه تا آغاز حکومت قاجارها ۱۲۰۰ ق اصفهان مرکزیت و محوریت دوران قبلی را ندارد که البته یک علت مهمش پایتخت نبودن آن بوده است.

از دوران قاجاریه تا ۱۳۰۹ ه.ق که قیام تنباکو را در اصفهان داریم رکود و انحطاط را می توان در دنباله آن توسعه و رشد دوره صفویه شاهد بود. انحطاطی که هر از چندگاهی همچون موربانه قسمتی از این بنای شکوهمند را از بین می برد.

حکومت جابرانه مسعود میرزا ظل السلطان اوج انحطاط و سیه روزی برای این شهر بزرگ بوده است. در سه دهه اول قرن چهاردهم هجری چند واقعه مهم روند این انحطاط یک قرن و نیمه را کمی عقب انداخته و آثاری از رشد و توسعه و حیات را به این شهر کهن بازگرداند:

● **بایستی گفت مشروطیت شهر اصفهان در دوره اول مشروطیت با تعبیر و تفسیر شریعت خواهانه بوده است.**

- ۱- قیام تحریم دخانیه که اصفهانیان در تحریم تنباکو پیشتاز تحریم در ایران بودند.^۴
- ۲- تأسیس شرکت اسلامی که ۱۱۷۶ تقریباً تمامی مطبوعات آزادیخواه و وطن دوست ایران را به شوق آورده بود و بزرگترین حرکت اقتصاد ملی علیه سلطه اجانب در ایران بوده است.^۵
- ۳- حرکت تأسیس انجمن صفاخانه که مناظره بین علمای شیعه با مبلغین نصاری بوده است و مجله «الاسلام» به سال ۱۳۲۱ ق حاصل آن حرکت اصیل فرهنگی بوده است.



تحولات انقلاب مشروطیت در اصفهان

روند مشروطیت در اصفهان از نظر عقیدتی و سیاسی، دو دوره عمده را شامل می‌شود. دوره اول ۱۳۲۴ هـ ق تا ۱۳۲۶ هـ ق که دوران ریاست و پیشوایی مرحوم آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی بوده است و ریاست ایشان بر انجمن مقدس ملی اصفهان باعث شده بود که مهمترین اهرم سیاسی شهر در دست روحانیت قرارگیرد و همین امر حائز اهمیت بوده است که احمدکسروی نویسنده لائیک، طی حمله به روند مشروطیت در اصفهان، آن را «مشروطه آخوندها» نامیده است.^۶

دوره دوم مشروطیت از ۱۳۲۷ تا کمی قبل از شروع جنگ اول جهانی ۱۳۳۲ ق را شامل می‌شود و چنانکه تاریخ می‌گوید خوانین قدرتمند بختیاری نه تنها در اصفهان بلکه در تمامی ایران حرف اول را می‌زده‌اند. البته در این زمان فعالیتهای دو حزب غرب‌گرای «دمکرات» و «اعتدالی» هم در صحنه سیاسی و اجتماعی شهر اصفهان مشهود بوده است. اما موضوع بررسی این فصل تحقیق در مورد مطبوعات دوره اول مشروطیت در اصفهان است.

روند مطبوعات اصفهان در دوران مشروطیت

مطبوعات در دوره اول مشروطیت به تبعیت از روند مشروطیت اصفهان از این محورها سخن می‌گویند:

- ۱ - در فضیلت آزادی و نکوهش استبداد، البته با ابزارها و تفسیرهای شریعت‌خواهانه.
- ۲ - نفی استعمار روس و انگلیس و سلطه بیگانه. این قسمت از مشروطیت اصفهان بسیار پر رنگ بوده و نسبت به سایر شهرهای ایران نوعی «درجه آگاهی و اصالت» زیاد را نشان می‌دهد.
- ۳ - مردم‌گرایی و ملت‌دوستی: که در اکثر سرمقاله‌های روزنامه‌ها و جراید به چشم می‌خورد.
- ۴ - آگاهی‌دادن از اخبار سایر شهرها و تفسیر اخبار

۴ - سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ هـ ق که حرکت جنبش عدالت‌خانه و انقلاب مشروطیت را در اصفهان و بختیاری شاهدیم حرکت اصلی که رنگ مذهبی و ملی‌اش از تمام شهرهای ایران (به نظر راقم سطور) بیشتر و عمیق‌تر بوده است و در زمینه مبارزه با استعمار خارجی خصوصاً استعمار انگلیس بیشترین «هوشیاری ملی» را از خود بروز داده است.

۵ - فتح اصفهان به سال ۱۳۲۷ هـ ق و رفع استبداد. حاکم محمدعلیشاه قاجار به رهبری آیت‌ا. حاج آقا نورالله اصفهانی با کمک قوای ضرغام‌السلطنه و صمصام‌السلطنه بختیاری.

این پنج واقعه به نظر نویسنده در رأس تحولات کیفی و مهم اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی اصفهان در سه دهه اول قرن چهاردهم هجری قرار دارد.





مجلس شورای ملی و پایتخت. همچنین آگاهی دادن نسبت به تحولات سایر کشورهای جهان.

۵- مقالات مذهبی و ملی در تفسیر انواع حکومت و سیاست و همچنین بحث از ریشه‌ها و جوانب عقیدتی و فکری مسائل سیاسی و اجتماعی و مدنی.

۶- اخبار شهری و ظهور وقایع روزمره و همچنین آوردن تلگرافها و مکاتبه‌های سیاسی.

این موارد، محور حرکت و محتوای مطبوعات اصفهان را در دوره اول مشروطیت نشان می‌دهد و چنانکه اشاره کردیم، دو سال اول مشروطیت ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ هـ ق محور و مرکز فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی شهر اصفهان «انجمن مقدس ملی اصفهان» به ریاست آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی بوده است. انعکاس «اخبار انجمن اصفهان» در رأس اخبار مطبوعات اصفهان بوده است.

مطبوعات عمده اصفهانی در این زمان عبارت بودند از:

«الجناب»، «جهاد اکبر»، «روزنامه انجمن مقدس اصفهان»، «انجمن بلدیة اصفهان»، «اصفهان».

با بررسی این جراید و مقالات مندرج در آنها می‌توانیم با اطمینان ادعا کنیم که سطح فکر و محتوای مقالات و کیفیت مطالب و عمق تفکر سیاسی و اجتماعی و فلسفی جراید اصفهان در آن دوره، نسبت به دهه‌ها و دوره‌های بعدی، از سطح و غنای بالایی حکایت می‌کند و حتی نسبت به دهه اخیر تاریخ

جایگاه نهاد سیاسی «انجمن مقدس ملی» در مشروطیت اصفهان

قبل از آنکه به بیان مطالب و مشخصات روزنامه «انجمن مقدس ملی اصفهان» بپردازیم اول، باید بدانیم که انجمن مقدس ملی اصفهان چگونه موقعیتی داشته است.

بعد از آنکه مشروطه‌خواهان اصفهان به رهبری مرحومین آیتین آقاجفی و حاج آقا نورالله نجفی از مهاجرت کبرای علما در قم به اصفهان بازگشتند، چون که دیگر حکومت استبدادی ظل‌السلطان بعد از فرمان مشروطیت نمی‌توانست توجهی برای ماندن داشته باشد، لذا مرحوم حاج آقا نورالله به سرعت دست به کار شده عده‌ای از علمای در صحنه و آزادیخواهان غیر وابسته و ضد استعماری را دور هم جمع کرده و هسته اولیه «انجمن مقدس ملی اصفهان» را پی‌ریزی نمود افراد خوشنام و شاخص این انجمن آقایان حجج اسلام سیدابوالقاسم زنجانی، شیخ محمدعلی کلباسی، سیدحسن ملاذالاسلام روضاتی، سیدحسن مدرس اسفهای و تنی چند از تجار و متنفذین شهر مانند محمدحسین کازرونی مرحوم ملک التجار بوده‌اند.

می‌دانیم که در مشروطیت اصفهان در سالیان اولیه به خاطر ریاست و هدایت مرحوم حاج آقا نورالله، عناصر وابسته به استعمار و لائیک نتوانستند، مانند برخی شهرها، در روند مشروطیت اصفهان اخلاقی ایجاد کنند لذا بایستی گفت مشروطیت شهر اصفهان در

● حکومت جابرانه مسعود میرزا ظل‌السلطان، اوج انحطاط و سیه‌روزی برای این شهر بزرگ بوده است.

دوره اول «مشروطیت با تعبیر و تفسیر شریعت خواهانه» بوده است. به یکی از اعلامیه‌هایی که

فرهنگی شهر اصفهان هم این میزان، درجه رشد بیشتری را در یک دید تطبیقی نشان می‌دهد^۷



بسم الله الرحمن الرحيم

«قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَقَالَ تَعَالَى وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَقَالَ تَعَالَى وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ.» وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا شَرَفَ أَوْلَى مِنْ الْإِسْلَامِ.»

در روز پنجشنبه ۴ ذی القعدة الحرام ۱۳۲۵ عموم علمای اعلام و حجج اسلام حصون شریعت سیدالانام علیه آلاف والتحیه والسلام، حاضر و بر خود متحتم و لازم نمودند که بالاتفاق به تمام هستی خود در اعلاى کلمه اسلام و احیای سنن شریعت خیرالمرسلین علیه صلوات المصلین و ابطال بدع مبدعین و اعانت مظلومین کیف ماکان و بالغاً و ما بلغ به جان و مال و عرض و عمر در این مقصد مقدس و حفظ و حمایت مجلس شورای ملی و انجمن ملی اصفهان حاضر و بدون ملاحظه شخصی و اغراض نفسانی به اقدام و اهتمام در انجام این مقصد مقدس ساعی و در تمام مطالب مرقومه تماماً ید واحده و لسان واحد باشند و امید نصرت از حضرت احدیت و توجهات امام عصر- عجل الله تعالی فرجه- داشته باشند- ان شاء الله تعالی به کلمه واحد متفق خواهند بود

والسلام علی من تبع الهدی
۱۲ ذی القعدة- ۱۳۲۵ قمری

محل خاتم مبارک آقایان عظام کثرالله امثالهم:

حضرت حجة الاسلام حاج شیخ محمدتقی نجفی
حضرت ثقة الاسلام حاج شیخ نورالله نجفی
حضرت سید العلمای اعلام حاجی میرزا ابوالقاسم زنجانی.

حضرت آقا شیخ مرتضی ریزی

حضرت حجة الاسلام حاجی سیدمحمدباقر^ا

حضرت حاجی آقا میرزا حسن دکمه چین.

آقای آقامیرزا محمدتقی محله نوی

آقا میرزا محمدباقر

آقا میرزا ابوالحسن اخوی آقا فرزندان مرحوم حاجی

سیدعلی پروجردی.

مبین این نظر است توجه می کنیم. این اعلامیه که در زمان مشروطه در سطح اصفهان و بختیاری دستورالعمل فکری بوده است حاکی از دیدگاهها و عمق دقت مشروطه خواهان مذهبی این شهر بوده است:

<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>
<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>
<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>
<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>
<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>	<p>استاد آقا میرزا حضرت امامزاده احمد مؤلف کل</p>



آقای آقا میرزا محمدعلی زنجانی.

آقای محمدعلی مدرسی

آقای میرزا مهدی دولت‌آبادی

آقای شیخ محمدحسن نظام العلماء

حضرت حاجی آقا میرزا محمدحسن

آقای میرزا محمدعلی کلباسی

آقای حاجی محمداسماعیل نقه

آقا میرسید محمد

آقای آقا میرزا مهدی بحرالعلوم

آقای میرزا احمد دولت‌آبادی

آقای میرزا عبدالکریم

آقای آقا میرزا محمدباقر^۹

و با دقت سؤال و جواب خود آنها و امورات عام مجزی باشد.

سابعاً: درب مجلس دو نفر آدم عاقل باشد که اطفال و اشخاص غیر ممیز را از دخول نهی نماید.

ثامناً: حرف زدن تماشاچی باشد.

تاسعاً: کسی غیر از خود اعضاء حق فضولی به عارض را نداشته باشند.

عاشراً: وقت حرف زدن اعضاء چه در خصوص عرایض چه در خصوص امورات عام باید همه را امر به سکوت نمایند.

حادی عشر: همیشه بیشتر از یک نفر چه اعضاء و چه عارض، چه تماشاچی حق حرف زدن نداشته باشد.

ثانی عشر: همه باید نشسته باشند.^{۱۰}

این آیین‌نامه ابتدایی به تاریخ ۱۹ شهر ذی‌قعدة ۱۳۲۴ معین شده و در تکمیل آن و در اثر گسترش دامنه قدرت و اختیار انجمن، نظامنامه جدید داخلی زیر به این شرح در یکی از جراید اصفهان در دوره مشروطیت منتشر گردید:

نتیجه مذاکرات یوم پنجشنبه ۷ شهر شوال در منزل جناب مستطاب آقای ثقة الاسلام (حاج آقا نورالله مدظله) قرار داد نظم جدید داخلی انجمن ملی که با اکثریت آرا معین شده و چون باید خاطر مبارک اعضای انجمن مستحضر باشد، اکنون حسب الامر مبارک حضرت ثقة الاسلام و این اوراق نوشته و به حضور مبارک انجمن فرستاده شد:

چنانچه از متن این اعلامیه تاریخی معلوم می‌شود اهم اهداف مشروطه خواهان اصفهان چند محور را تشکیل می‌دهد:

- ۱- اعلاى كلمه اسلام ۲- احیای سنن شریعت نبوی
- ۳- ابطال بدعت ۴- اعانت مظلوم .

با این مقدمات و تمهیدات و آگاهی به سراغ آیین‌نامه انجمن مقدس ملی اصفهان که بایستی مجری این اهداف باشد، می‌رویم.

آئین‌نامه ابتدائی انجمن مقدس ملی اصفهان

اولاً: محل نشستن اعضای مجلس معین باشد.
ثانیاً: محل نشستن منشیان و قاریان عرایض معین باشد.

ثالثاً: عارض اولاً باید عرایض خود را با نمره که بر حسب آن استماع شود مکتوباً ارائه نماید چنانچه مطلب قابل رسیدگی و مذاکره در مجلس باشد قرائت نماید و الا لم یقرأ بصاحبان آنها رد شود.
رابعاً: محل تماشاچیان باید از طبقات فوق مجزی باشد.

خامساً: محل جلوس اعضاء فعلی باید محلی باشد که همه کس آنها را ببینند مثل بالای مجلس.
سادساً: وقت سؤال و جواب عرایض باید موقت باشد

● اهم اهداف مشروطه خواهان اصفهان چند محور را تشکیل می‌دهد:

- ۱- اعلاى كلمه اسلام
- ۲- احیای سنن شریعت نبوی
- ۳- ابطال بدعت
- ۴- اعانت مظلوم

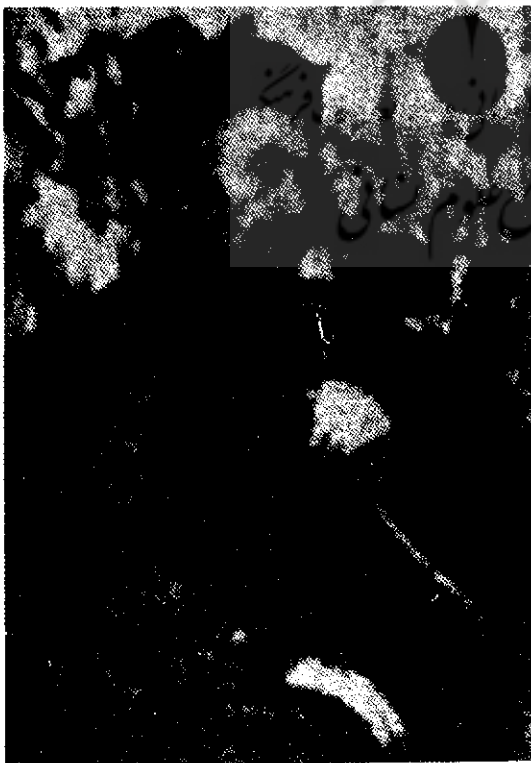


۱۳ - فهرست مطالب مکتوبی و تلگرافی که باید منشی انجمن بنویسد با حاجی میرزا محمود است که بنویسد و به منشی انجمن صورت بدهند.

۱۴ - دفتر انجمن در هنگام ختم انجمن ذیل مطالب حاجی میرزا محمود مهر کنند.^{۱۱}

روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان

حال که به اهداف مشروطه خراهان مذهبی اصفهان و همچنین با مشخصات کلی «انجمن مقدس ملی» این شهر در دوره مشروطیت آشنا شدیم، می توانیم به جایگاه روزنامه‌ای که به طور رسمی اخبار این انجمن و در حقیقت مذاکرات و تفکرات رسمی این مشروطه را منعکس می کند، توجه بیشتری بنماییم. تعدادی از شماره‌های اولیه این روزنامه نزد نویسنده مقاله موجود است، که البته به محتوای یکی از شماره‌های آن اشاره می شود. اما قبل از آن بایستی به توضیحاتی که نویسنده «تاریخ جراید و مجلات ایران» در مورد این روزنامه نوشته است توجه نماییم، مرحوم سید محمد صدر هاشمی می نویسد:



- ۱ - ایام انعقاد انجمن در هفته سه روز است، روز شنبه، روز سه شنبه، روز پنجشنبه.
- ۲ - اعضاء محترم باید دو ساعت و نیم به غروب مانده در انجمن حاضر باشند و ختم مجلس نیم ساعت به غروب مانده است.
- ۳ - هرگاه احدی از اعضاء محترم از ساعت مذکور الی پنج دقیقه دیرتر آمدند مطابق وظیفه شرعی که به وکالت خوانده شده پنج دینار بدهند تحویل دفتردار انجمن که به تصویب انجمن به معرفی که صلاح بداند برسانند.
- ۴ - اعضاء محترم خودشان شخصاً حاضر شوند نماینده قبول نخواهد شد.
- ۵ - اخطار تخلف اعضاء محترم به انجمن با جناب امیرزا سیدحسن است.
- ۶ - محل جلوس اعضاء محترم از قرار به صورت دایره است.
- ۷ - روزنامه نگاران حق ضبط مکتوبات تلگرافات در انجمن ندارند بعد از چهارده ساعت از منشی انجمن بگیرند.
- ۸ - غلبان کشیدن در انجمن موقوف است، سوای یک مرتبه که بعد از یک ساعت انعقاد خادم انجمن خیر بدهد بیاورند.
- ۹ - غیر از وکلا حق نطق ندارد مگر به اجازه حضرت رئیس و اگر مطلبی نشرأ داشته باشد کتبی به انجمن بدهد.
- ۱۰ - عنوانات مذاکرات با حضرت رئیس است.
- ۱۱ - اخذ آرا از نایب رئیس از طرف یمین حضرت رئیس به ترتیب رأی بدهند و اگر لازم شد در دوره دوم باز به ترتیب مذکور دلیل گرفته شود و اگر تمام نشد در دوره سیم روی ورقه بنویسند و بدهند.
- ۱۲ - عریضه جات را جناب امیر سیدحسن بگیرند هرکدام که راجع به یکی از ادارات است در ظهر آن نوشته رد کنند و هر یک راجع به انجمن است قرائت کنند.

«روزنامه انجمن اصفهان که در سال دوم به نام (انجمن مقدس ملی اصفهان) و (انجمن مقدس ولایتی اصفهان) و در سال سوم و چهارم منحصراً به نام (انجمن اصفهان) موسوم گردیده در شهر اصفهان به مدیری آقا سراج‌الدین جبل عاملی موسوی و دبیری نجم‌الواعظین موسوی در سال ۱۳۲۴ قمری تأسیس و شماره اول آن در تاریخ یکشنبه ۲۱ ذی‌القعده ۱۳۲۴ قمری مطابق ۶ ژانویه ۱۹۰۶ میلادی، در چهار صفحه با چاپ سنگی منتشر شده است. در شماره‌های اولیه مدیرکل آقا سراج‌الدین صدر جبل عاملی الموسوی و دبیر اداره میرزا محمدعلی علم و ناظم و تحویلدار آقا میرزا محمد سعید نائینی مدیر مطبعه سعادت معرفی شده و مقاله افتتاحی آن بدین قسم شروع می‌گردد. «از آن رو که این جریده بنام نامی و اسم گرامی انجمن شورای ملی اصفهان نامیده می‌شود انشاءالله در ابتدا لازم آمد لفظ مجلس را در اصطلاح و عرف متمدین ترجمه شود و تا قرائت‌کنندگان در باره منبع خیر و معدن صلاح و ثروت و عزت و استقلال خود به‌قدر میسور معرفی حاصل نمایند.»^{۱۲}

نویسنده در مورد خط و عناوین روزنامه در ادامه می‌نویسد:

«روزنامه انجمن در سالهای اول و دوم به خط نستعلیق و در سنوات بعد به خط نسخ و معمولاً از هشت تا چهار صفحه به قطع هشت و نیم و دوازده و نیم چاپ گردیده و طرز انتشار آن هفتگی است یعنی روز جمعه طبع و روز شنبه منتشر می‌شده است. اسم روزنامه به خط نستعلیق درشت و خصوصیات دیگر آن در دو طرف نام روزنامه چاپ شده:

«جریده‌ایست آزاد از منافع عامه و سیاسیه دولت و ملت و مذاکرات انجمن مقدس ملی اصفهان و لوایح و مقالات مفیده درج می‌شود» خصوصیات روزنامه بدین قرار است:

«اداره مرکزی، اصفهان-بازارچه حضرت امامزاده احمد(ع) عنوان مراسلات بازارچه امامزاده احمد،

بخدمت محترم حضرت آقا میرزا...

بسم الله الرحمن الرحیم

روزنامه انجمن اصفهان

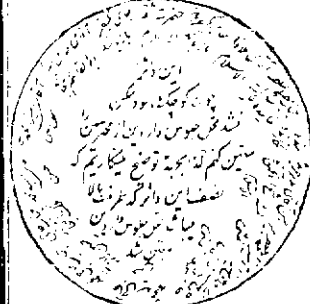
شماره...

تاریخ...

چاپخانه...

مطبعه سعادت

اصفهان



روزنامه انجمن اصفهان

شماره...

تاریخ...

چاپخانه...

مطبعه سعادت

اصفهان

تصویر طرز نشانی انجمن در روزنامه چهارم اکبر

مراسلات بدون امضاء کافی نیست. وجه اشتراک پس از ارسال سه نسخه مکاتبه می‌شود. قیمت اشتراک سالیانه دو تومان، سایر بلاد ایران ۲۵ قران، بلاد خارجه سه تومان، قیمت یک نسخه سه شاهی. قیمت اعلانات سطری یک قران»^{۱۳}

«مندرجات روزنامه در سال دوم و سوم و چهارم و پنجم مانند سال اول و مذاکرات انجمن ولایتی اصفهان در آن درج است. در این سنوات نیز روزنامه هفتگی بوده و مرتباً همه هفته منتشر می‌شده و در سبک و قطع روزنامه تفاوتی پیدا نشده، تنها تغییر مهم چاپ روزنامه است که به عوض چاپ سنگی از سال سوم به بعد روزنامه با حروف سریبی طبع گردیده مطبعه سریبی که روزنامه در آن به طبع می‌رسیده موسوم به مطبعه (ترقی خواهان) بوده است. علاوه بر این در سال پنجم مقالات مختلف به‌عنوان (تمدن) و (عدالت) و این قبیل مطالب بیشتر صفحات روزنامه را گرفته، تعداد صفحات از ۴ تا ۸ صفحه به قطع وزیر تغییر پیدا



روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان شماره ۲۷

«یکی از سیاحان مینویسد نتیجهٔ سیاحت من این است که در تمام ایران دیدم در هیچ بلادی آثار ترقیات و شمایل تمدن بنظر نیامد که بدان خوشوقت شوم در زراعت و تجارت بدانچه از پدران خودشان دیده‌اند قناعت دارند و جای بسی تعجب است که بدان نیز مفتخرند که شیوهٔ اسلاف هنوز تماماً در میان مامری است اما از این حرف و فراهم آوردن اسباب ترتیبات خانه‌گی به درجهٔ پیش‌آفتاده‌اند که ابداً اجدادشان آن وضع را در خواب خودشان هم ندیده بودند بجای ظروف مسین که از معمولات و مصنوعات وطن عزیز بود و یک صد سال به رفع احتیاج یک خانوادهٔ بزرگی بقدر دویست تومان از آن کفایت مینمود و در آخر هم چیزی از قیمت آن نمیکاست امروز به دویست تومان یکپارچه چهل چراغ خریده بر سقف اطاقهای خودشان می‌آویزند که بیک افتادن بجز از یک کلمه (واه) صاحبش را چیزی از آن باقی نمی‌ماند واضح است که از تصویر نیاکانشان امثال این چیزها هیچ وقتی نگذشته بود و یکی از این اتبوه مردم که علی‌الاکثر صاحبان املاک هم هستند هیچ‌گاهی بدین خیال نیفتاده‌اند که از مملکت همسایه یک ماشین خرمن‌کوبی یا یک داس ماشین از برای آوردن غله یا اینکه یک ماشین گندم پاک‌کن برای نمونه خریده بیاورند. در مزارع خودشان کار چه دارند تا محسنات آنها را برأی‌العین تا ملاحظه کنند و در تمامی این مملکت از شهرهای بزرگ گرفته تا قصبات و قریه‌ها دودکش یک ماشین و فابریکی دیده نمیشود که دودی از آن متصاعد گردد و از هیچ طرف بانگ صوت و صغیر حرکت ورود راه آهنی شنیده نمیشود (چرا طهران برای نمونه یک فرسخ راه آهن هست آن هم از رعیت ایران نیست) در هیچ شهری بنای دوایر دولتی عمارت بلند و باشکوهی نیست. از مکاتب دولتی و مریضاخانه در هیچ جا نشانی نمیتوان یافت و هیچ نقطهٔ کومپانی و بانک که نمونهٔ ترقی و تمدن است مشهود نیست کسی را پروای وضع مساجد نیست مقابر بزرگان پیشین مانند

می‌کرده و غالباً در هشت صفحه منتشر می‌شده است»^{۱۴}

در آخر برای آنکه به این بحث، استناد بیشتری بدهیم به یکی از شماره‌های روزنامه «انجمن مقدس ملی اصفهان» اشاره می‌کنیم؛ آوردن متن اصلی این محاسن و فواید را می‌تواند در برداشته باشد:

۱ - چون امروز بعد از گذشتن نزدیک به یک قرن نسخه‌ای از این روزنامه وجود ندارد و شاید اکثر خوانندگان حتی اسم این روزنامه را هم نشنیده باشند، آوردن یک شماره از مطالب این روزنامه، احیای یک نسخهٔ تاریخی می‌باشد.

۲ - اهمّ مطالب و تیربندی و محتوای روزنامه را نشان می‌دهد.

۳ - با سبک قلم و اصطلاحات سیاسی و اجتماعی دوران مشروطیت آشنا می‌شویم.

۴ - تلگرافها و مکاتبه‌ها تاریخی و مراسلاتی که در روزنامه وجود دارد دارای ارزش تاریخی می‌باشد.

۵ - با آوردن متن یک شماره از روزنامه می‌توان فهمید که چه مقدار از مطالب روزنامه را مذاکرات انجمن، چه مقدار را افکار سیاسی و اجتماعی و چه مقدار را وقایع و مطالب دیگر تشکیل می‌داده است.

۶ - این روزنامه به‌خوبی می‌تواند دیدگاه مشروطه‌خواهان اصفهانی را در مقابل جناح‌بندیهای مشروطه‌خواهان سایر شهرها و روند مشروطیت پایتخت منعکس نماید.

۷ - شرح یکی از جلسات انجمن مقدس ملی اصفهان و خواندن مشروح مذاکرات، ما را با حال و هوای اولین تجربهٔ آزادی و شورا در شهر اصفهان آشنا می‌کند، میزان فهم، قدرت اندیشه، نحوهٔ استدلال، و پرداختن به مسائل مهم انقلاب مشروطیت از دیدگاه رهبران و رجال مشروطیت اصفهان دست‌آورد بعدی و فایدهٔ مهم خواندن روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان می‌باشد:



سلاطین صفویة و غیره همه خراب. از زحمات نائب السلطنه عباس میرزائی مرحوم و خدمات امیرکبیر میرزا تقی خان مغفور که در راه ملک و ملت کشیده و کردند سختی که دلیل قدردانی اخلاف باشد در میان نیست نه نیکان را برحمت یاد می کنند و نه بدان را به بدی نام میبرند ترک حقوق و قطع صلۀ رحم و بی مروتی و عدم انصاف و بدخواهی همدیگر شغلشان است ولی تا این وضع چون چند نفری یکجا گردآید

مذاکرات انجمن مقدس ملی شبه ۱۷
 «از روز دوشنبه ۱۲ اهالی اصفهان تعطیل عمومی کردند بطوری که در نمره (۲۶) عصر سه شنبه ۱۳ را مشروحاً نگاشتیم در ظرف آن چند روز از طهران از اتابک اعظم و حجة الاسلام آقای امیرسیدمحمد مدظله در جواب تظلمات اهالی اصفهان تلگرافات شد خلاصه آنکه شاهزاده گان را به طهران احضار نموده اند باز اطمینان از جهت اهالی حاصل نشد و روز شنبه دکا کین را بستند

● تاریخ اجتماعی و سیاسی شهر کهنسال اصفهان هنوز به طور کامل نگارش نیافته است.

میگویند ای بابا دنیا پنج روز است باید فکر آخرت نمود اما همه دورغ بزبان میگویند ولی بفعل ننگرند آنچه در خیالشان میگذرد همان پرسش روز حساب است خیرات میدهند اما اطعام اغنیا می کنند نه فقرا، اعمالشان همه از روی ریا است بی طمع و توقع احدی سلام نمی نمایند. نماز جماعتی را که میکنند از پیشنهاد توقعی دارند. اخلاق مردم چندان فاسد گشته که اصلاح آن مشکل مینماید مگر اینکه محض تسلی خودمان بگوئیم. چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند. در عرض راه از هر کجا که میگذری همه جا زمین قابل هرگونه زراعت و حراثت است ولی چه سود که غالباً بائر و لم یزرع افتاده است هم چنان بعضی از شهرهای بزرگ و کوچک از قلت سکنه گوئی وادی خموشان است بس که اهالی ناچار از مهاجرت ممالک خارجه شده اند شهرها خالی از مخلوق به نظر می آید. بدبخت ترین سکنه این ملک گروه مزدوران و فعله و همانند بیچاره گان باید یک روز کار کرده و یک روز نیز بی تحصیل نان دکان به دکان بگردند تا شام بلکه بتوانند نیم من نان با پول خودشان بچنگ آورند.»^{۱۵}

آقای حجة الاسلام و آقای ثقة الاسلام شرحی بعموم نوشتند که بازارها را باز کرده و بشغل و کسب خو مشغول باشند حضرات هم قبول کردند و رفتند با بعضی از سادات و یک نفر هم از سمت (...) با جمعیه حرکت کرده امر به بستن بازار کردند و تمام بازار را بست و بسمت مسجد شاه آمدند و فریاد میکردند کسانی را که میخواستیم بروند تا حال نرفته اند و عموماً تلگرافی باتابک اعظم نمودند و هر ساعت شورش بالا میگرفت تا سه بغروب مانده جمعیت بسمت چهل ستون حرکت نمودند و اطراف انجمن را چون خط پرگاری احاطه نمودند آقای ثقة الاسلام از جهت کسالت مزاجی که چند روز است عارض شده بانجمن نیامدند جمعی هم رفته بودند که آقای ثقة الاسلام را بیاورند چون در حال اشتداد تب بودند نتوانسته بودند تشریف بیاورند و بعضی فرمایشات فرموده بودند که امر بر اسکات و جلوگیری از بلوای عمومی بود و شخص (...) مبلّغ ابلاغ فرمایشات را بجا نیاورده تلگرافی از حضرت والا ظل السلطان در انجمن قرائت شد.

صورت تلگراف:

«جنابان جلال مآبان اجل رکن الملک و ملاباشی تلگراف



مذاکرات انجمن مقدس ملی سه شنبه ۲۰

«عریضهٔ منتخبین محترم اتحادیهٔ علمیهٔ عمومی طلاب علوم دینیہ بانجمن نموده بودند خواهش کرده بودند که یک نفر را منتخب نموده بانجمن فرستاده شود. از انجمن قبل از این مدتی است انجمن نظار معین شده و از انجمن اعلان عمومی داده‌اند که آقایانی که حق انتخاب دارند ورقهٔ تعرفه از انجمن نظار بگیرند برای تعیین منتخب و انجمن نظار منعقد است حال هم آقایان مرقوم متن و عموم آقایان طلاب از انجمن نظار تعرفهٔ انتخاب گرفته و منتخب خود را مطابق نظامنامه معین نموده تا روزی که مقرر است برای گرفتن آراء و تعیین منتخب آقایان طلاب هم معلوم، و در انجمن محترم تشریف می‌آورند. تلگراف دیگر از حجة الاسلام آقای آسید عبدالله بهبهانی مخابره شده بود.»

صورت تلگراف:

«خدمت ذیشرافت سرکار حجة الاسلام و آقای ثقة الاسلام سَلَّمُهُمُ اللهُ^{۱۸} تعالی معلوم میشود از قضایای طهران و اقدامات بعضی و نتایج سوئی که حاصل شده خاطر شریف مسبوق نیست امروز تکلیف عموم علما در اسکات مردم و رفع فتنه است که مفسدین در نظر عامه نتوانند طور دیگر جلوه دهند و مخرب اساس مقدس شورای ملی بدانند چون مغرضین این اساس از راه بلواجوئی در مقام تخریب بوده‌اند از هر کجا صدائی بلند شود حمل بر آن مقصد می‌شود فتنه از این دو روزه اصفهان خوش‌نما نشده حفظ شئونات و مراتب علما اعلام و حجج اسلام بر داعی فرض و متحتم است و آنچه اینجا باید اقدام بنماید ولی اسکات مردم آن حدود و رفع فتنه عاجلاً لازم است که زیاده بر این پیرایه بسته نشود و نتوانند مخربین شرع عنوانی بدست آورده و توهین وارد آورند انتظار بشارت رفع غائله را از جنابان عالی دارد. داعی عبدالله الموسوی البهبهانی.»^{۱۹}

ذیل را مجلس محترم چهل ستون گفته‌ام بتوسط شماها قرائت شود. ظل السلطان؛ انجمن ملی محترم اصفهان دام‌بقاؤهم چون من اول کسی هستم که در انعقاد انجمن کوشش کرده در آن مجمع مقدس بقرآن و شمشیر قسم خورده‌ام حق دارم این مطلب را اظهار نموده از آن انجمن استفتاء می‌نمایم اینجا بعضی عناوین ذکر میشود که بکلی مخالف با عالم مشروطیت و عدالت و مساوات است و این مطلب واضح است که مشروطیت که بندگان اعلیٰ حضرت همایونی روحنا فداء مرحمت فرموده‌اند بدولت و ملت عموماً مرحمت کرده و تمام افراد در تحت این مشروع مقدس‌اند در این صورت اختصاص بعضی و دون بعضی ندارد و این عناوین مسموعه بکلی خارج از قاعدهٔ مشروطیت و صرف استبداد بنظر می‌آید من اینجا هم که هستم از حمایت این مشروع مقدس شورای کبری و آقایان حجج اسلام همه گواه هستم و احدی مجال انکار نیست بآن جهت از مجلس محترم سؤال می‌نمایم که در صورت صدق که این عناوین شده باشد از چه مأخذ بوده و چه علت داشته کسی نمیتواند از خانه و زندگی خود صرف‌نظر نماید و از هستی خود گذرد. مجلس مقدس شورای ملی هم هرگز راضی بآن مطلب نیست و اقدامات لازمه خواهد کرد دولت هم تکلیف خود را عمل مینماید و بهتر آن است که قسمی از طرف انجمن اقدام شود که حاجت به این ترتیب بلکه اقدامات خارجه نشود و مجبوراً سفرای خارجه مداخله نکنند^{۱۶} چون من خودم مؤسس این انجمن هستم محض اداء تکلیف اول اظهار کردم و خیلی طالبم که مجبور بعضی اقدامات دیگرم نکنند در هر صورت و به هر حال من حالا اصفهانیم و نیک‌نامی شما را طالبم البته در میان شما عقلا هست از این بیانات که می‌نمایم شایسته عقلا هست و عدالت تصدیق میکند گناه‌کار هیچوقت گریبانش از چنگ عدالت خلاصی نیست بدیگران چه ربطی است و گناه دیگران چه- ظل السلطان.»^{۱۷}

- عناصر سیاست خارجی بر شؤونات مردم دخالت می‌نموده‌اند. در هر حال لحن نامه و جملات تهدیدآمیز ظل‌السلطان و اعتراف وی به قدرت و حمایت خارجه از نظر تاریخی قابل توجه است.
- ۱۷- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ص ۵ شماره ۲۷.
- ۱۸- دراکتر تلگرافها و اسناد تاریخی این دوره لقب حجة الاسلام و ثقة الاسلام آورده شده است که منظور از حجة الاسلام آقاجفی و ثقة الاسلام، حاج آقا نورالله اصفهانی می‌باشند.
- ۱۹- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، ص ۷ شماره ۲۷.
- ۱- در اینجا جا دارد یاد استاد تازه درگذشته، محقق متواضع و دانشمند پرکار و بزرگوار جناب آقا سیدمصلح‌الدین مهدوی را گرامی بداریم، بسیاری از آثار و مقالات و کتب نامبرده در جهت احیای قسمتی از میراث کهن این شهر بوده است. رجال شناسی، سندشناسی، احیای کتب ... خدمات ارزشمند فرهنگی و اجتماعی حاصل کار و عمر پربرکت این استاد معظم بوده است. جفا دارد مسؤلان فرهنگی استان یادنامه‌ای برای آن بزرگمرد تدارک ببینند رحمة الله علیه.
- ۲- در این راستا به گفته شاردن فرانسوی که اصفهان را «دار العلم شرقی» نامیده است با تعمق بیشتری نگریسته شود.
- ۳- سیدحسین نصر مقاله «مکتب اصفهان، در تاریخ فلسفه در اسلام، ج ۲، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- ۴- در این مورد ر. ک. به مقاله سیدمصلح‌الدین مهدوی در **سده تحریم تنباکو**، دفتر اول تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
- ۵- برای توضیح بیشتر و اطلاع یافتن از کم و کیف حرکت شرکت اسلامی ر. ک. به فصل اول کتاب «اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی».
- ۶- احمد کسروی: **تاریخ مشروطیت ایران**، ج ۱، تهران، امیرکبیر، ص ۳۸۵.
- ۷- البته رکود و وضعیت فعالیت‌های مطبوعاتی در دهه اخیر شهر اصفهان باید در ابعاد مختلف ریشه‌یابی و بررسی شود. بیان این رکود بیان واقعیت تلخی است که باید در پی رفع آن برآمد.
- ۸- در متن اعلامیه معلوم نیست که این شخص چه کسی می‌باشد ولی به احتمال زیاد چون اسم ایشان با لقب (حجة الاسلام) آمده است شاید آیت الله سیدمحمدباقر درچه‌ای باشد.
- ۹- موسی نجفی؛ حکم نافذ آقاجفی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲ش، ص ۲۰۱.
- ۱۰- نقل از روزنامه اصفهان، شماره ۴ تاریخ ذی‌القعدة ۱۳۲۴ ه. ق.
- ۱۱- روزنامه جهاد اکبر، منتشره در اصفهان، شوال ۱۳۲۴ ق به نقل از موسی نجفی: **اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی**، تهران، ۱۳۶۹، ص ۱۵۳-۱۵۱.
- ۱۲- محمد صدر هاشمی: **تاریخ جراید و مجلات ایران**، ج ۱، اصفهان، انتشارات کمال، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۸۸.
- ۱۳- همان منبع ص ۲۸۹.
- ۱۴- همان منبع، ص ۲۹۲.
- ۱۵- روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، اصفهان، شماره ۲۷، سسر مقاله.
- ۱۶- این قسمت از متن نامه ظل‌السلطان و تهدیدی که در دل این جمله نهفته است، حکایت از شدت و میزان وابستگی مسعود میرزا ظل‌السلطان به دول خارجه می‌باشد. به‌خوبی می‌توان حدس زد نزدیک به سه دهه حکومت مستبدانه و فسادانگیز این شخص چه بر سر مردم این شهر آمده است و چه میزان